

## قوه قضائیه در یک نگاه

### مطالعه‌ی مقررات مربوط به قوه‌ی قضائیه در قانون اساسی

اجرای عدالت یکی از آرمان‌ها و آرزوهای دیرین جامعه‌ی بشری است. منظور از اجرای عدالت، یعنی حل اختلافات و منازعات افراد با یکدیگر یا افراد با دولت بر طبق قوانین مصوب است. این وظیفه‌ی خطیر بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه گذاشته شده است که قوه‌ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار و وظایف زیر است:

### مبحث اول: وظایف قوه‌ی قضائیه



به موجب اصل یکصد و پنجاه و ششم وظایف قوه قضائیه عبارت است از:

۱. رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع

خصوصیات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین

می‌کند

این وظیفه عمدتاً بر عهده‌ی تشکیلاتی از دستگاه قضاء است که به نام «دادگستری»

خوانده می‌شود. و شامل دو تشکیلات عمده «دادسرا یا پارک» و «محاکم یا دادگاه‌ها

» می‌شد. اصل یکصد و پنجاه و نهم مقرر می‌دارد: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات،

داد گستری است.» تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است ، بنابراین وظیفه‌ی اصدار حکم برعهده‌ی محاکم می‌باشد .

۲. احیای حقوق عامه و گسترش عدل آزادی‌های مشروع :

۳. نظارت بر حسن اجرای قوانین : تنها اجرای قوانین هدف عمده‌ی دستگاه‌ها نمی‌باشد بلکه باید علاوه بر آن حسن اجرای قوانین نیز تأمین گردد. نظارت بر حسن اجرای قوانین در محاکم برعهده‌ی دیوان عالی کشور است و نظارت بر حسن اجرای قوانین در ادارات برعهده‌ی سازمان بازرسی کل کشور است. ( اصل یکصد و شصت و یک و یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی )

۴. کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام . وظیفه‌ی مزبور را عمدتاً تشکیلاتی به نام « دادسرا » برعهده دارند .

۵. اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین . دستگاه قضاء نباید منتظر بنشیند تا جرمی به وقوع بپیوندد و سپس وظیفه‌ی او شروع شود و مجرم یا مجرمین را تعقیب و دستگیر کند و به مجازات قانونی برساند. بلکه عمده وظیفه‌ی این قوه آن است که تمهیدات مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را به کار بندد .

**مبحث دوم : سازمان و تشکیلات قوه قضائیه**

## بند ۱: رئیس قوه قضائیه



در رأس سازمان و

تشکیلات این قوه شخصی به

عنوان «رئیس قوه قضائیه» قرار

دارد که عالی ترین مقام این

**حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی ریاست قوه قضائیه**

قوه است. که اینک نحوه

انتصاب و شرایط و وظایفش را در زیر مطالعه می کنیم :

### نحوه تعیین رئیس قوه قضائیه

از جمله وظایف و اختیارات مقام رهبری عزل و نصب و قبول استعفای رئیس قوه قضائیه

است ( بند ۶ اصل یکصد و دهم قانون اساسی ) که به موجب اصل

یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی برای مدت پنج سال و به منظور انجام دادن

مسئولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی تعیین می شود .

### شرایط ریاست قوه قضائیه

فردی که به عنوان ریاست این قوه تعیین می شود و عالی ترین مقام قوه قضائیه تلقی

می گردد، بر اساس اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی ، باید واجد شرایط ذیل باشد

۱. مجتهد عادل باشد

۲. آگاه به امور قضائی باشد

۳. مدیر و مدبر باشد

### وظایف رئیس قوه قضائیه

به موجب اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر

است:

۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت های اصل

یکصد و پنجاه و ششم .

۲. تهیهی لوایح قضائی مناسب با جمهوری اسلامی

۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و

تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون. و به موجب

اصل یکصد و شصت و چهارم محل خدمت یا سمت قاضی را بدون رضای او

نمی توان تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه

پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل .

۴. نصب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، با مشورت قضات دیوان عالی

کشور برای مدت پنج سال. (اصل یکصد و شصت قانون اساسی)

۵. پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس جمهور (اصل یکصد و شصت قانون اساسی)

۶. تعیین ضوابط برای تشکیل دیوان عالی کشور (اصل یکصد و شصت و

یکم قانون اساسی)

۷. دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه می باشد. ( اصل یکصد و هفتاد

وسوم قانون اساسی )

۸. سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه است. ( اصل یکصد و هفتاد و

چهارم قانون اساسی )

## بند ۲: محاکم و دادرها

به موجب اصل شصت و یکم: « اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه های دادگستری است

که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی

و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد » در رأس تشکیلات دادگستری دادگاه و

دادرای دیوان عالی کشور قرار دارد که دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور بالاترین مقام

آن ها هستند. این دو مقام باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند .

بر طبق اصل یکصد و شصت و یکم: « دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای قوانین در

محاکم و اجیاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود ،

بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند ، تشکیل می گردد »

به موجب مقررات قانون اساسی انواع محکمه برای رسیدگی به جرایم وجود دارد که البته

در کنار هر محاکمه ای ، دادرایی نیز مقرر است .

الف : محاکم و دادرهای عمومی که به جرایم عمومی رسیدگی می کند .

ب: محاکم و دادسراهای نظامی

به موجب اصل یکصد و هفتاد و دوم: « برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی

یا انتظامی اعضای ارتش، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون

تشکیل می گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب

شوند، در محاکم عمومی رسیدگی می شود.

دادستانی و دادگاه های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه

هستند. « ذکر دو نوع محکمه ی فوق در قانون اساسی دلیل بر حصر محاکم به دودسته ی عمومی

و نظامی نیست بلکه به موجب اصل یکصد و پنجاه و نهم و اصل یکصد و پنجاه و هشتم می توان

تشکیلات لازم یا دادگاه های دیگری به موجب قانون ایجاد نمود. چنان که در حال حاضر

دادگاه ها و دادسراهای انقلاب نیز در کنار سایر تشکیلات قوه ی قضائیه وجود دارد .

**بند ۳: وزیر دادگستری**

به موجب اصل یکصد و شصتم: « وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسایل مربوط به روابط

قوه قضائیه و قوه ی مجریه و قوه ی مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به

رئیس جمهور پیشنهاد می کند، انتخاب می گردد. رئیس قوه ی قضائیه می تواند اختیارات تام مالی

و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت

وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی ترین مقام اجرایی پیش بینی می شود.»

#### بند ۴: قضات « دادرسان »

##### ۱. نحوه ی برگزیدن قاضی

در دنیا دو روش برای برگزیدن قاضی وجود دارد. یکی روش انتخاب است چنان که در آمریکای شمالی، قضات به استثنای محاکم فدرال به وسیله ی مردم انتخاب می شوند یا در سوئیس، چهارده تن قاضی فدرال را قوه ی مقننه انتخاب می کند یا در جمهوری مکزیک مردم قضات عالی را انتخاب می کنند. دیگری روش انتصاب است. چنان که در انگلستان، کلیه ی دادرسان با نظارت فائده ی قاضی القضاات منصوب می شوند. در نظام جمهوری اسلامی ایران، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها از وظایف رئیس قوه قضائیه است. صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله ی قانون معین می شود. ( اصل یکصد و شصت و سوم قانون اساسی )

##### ۲. وظیفه ی قاضی :

« قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع

ورزد.» ( اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی ) همچنین « قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوهی مجریه است ، خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.» ( اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی )

به موجب دو اصل فوق وظیفه‌ی قاضی اولاً : حل و فصل دعاوی و اختلافات است و نهایتاً اصدار حکم می باشد و به هیچ بهانه‌ای نمی تواند از رسیدگی و صدور حکم امتناع ورزد.

ثانیاً : از اجرای تصویب نامه‌ها آیین نامه‌های دولتی که مخالف قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوهی مجریه است ، خودداری کند .

### ۳. امتیاز قاضی

#### الف : استقلال قاضی

به موجب اصل یکصد و شصت و چهارم « : قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است ، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است ، به طور موقت یا دائم منفصل کرد با بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل .

نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند صورت می گیرد » .



## ب : حمایت از قاضی

به موجب اصل یکصد و هفتاد و یکم : « هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاصی ، ضررمادی یا معنوی متوجه کسی گردد ، در صورت تقصیر ، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن اوست در غیر این صورت خسارت به وسیله ی دولت جبران می شود ، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد . » بنابراین فوق ، جبران خسارت ناشی از اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ، در صورتی که مقصر نباشد ، به وسیله ی دولت است .

## بند ۵ : دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور

به منظور رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین دولتی ، واحدهای دولتی و آیین نامه های دولتی و احقاق حقوق آنها ، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد حدود اختیارات و نحوه ی عمل این دیوان را قانون تعیین می کند. ( اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی ) همچنین « براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه های اداری سازمانی به نام « سازمان بازرسی کل کشور » زیر نظر قوه ی قضائیه تشکیل می گردد . حدود و اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می کند » . ( اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی )

## بند ۶: اصول وقواعد حاکم بر امور قضایی در نظام جمهوری اسلامی ایران

### اصل اول: علنی بودن محاکمات:

بر اساس اصل یکصد و شصت و پنجم: «محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد

بلامانع می باشد مگر آن که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا

نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی

نباشد

»

بنابراین اصل بر علنی بودن محاکمات است مگر در سه صورت ذیل:

۱. علنی بودن به تشخیص دادگاه منافی عفت عمومی باشد.

۲. علنی بودن مخالف نظم عمومی باشد.

۳. طرفین تقاضا کنند که محکمه علنی نباشد

### اصل دوم: مستند بودن احکام دادگاهها:

«احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن

حکم صادر شده است» (اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی) بنابراین قاضی

نمی تواند بدون استناد به مواد قانونی انشاء حکم نماید.

اصل سوم: رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه

رسیدگی به جرایم مزبور علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری

صورت می گیرد. (اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی)

اصل چهارم: عدم عطف قوانین جزایی به ماسبق

« هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب

نمی شود. » ( اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی ) زیرا فرض بر این است که در جامعه ای

که نظم قضایی بر آن حاکم است ، دولت هر عمل و اقدامی را که مضر به حال جامعه تشخیص

دهد و مرتکب آن را مستحق مجازات بداند ، به موجب قوانین جزایی آن را به اطلاع عموم

می رساند .